



دوفصلنامه مدیریت و توسعه ورزش

سال سوم، شماره دوم، پیاپی ۷



دانشگاه گیلان

تعیین روایی و پایایی مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی

محمدعلی قره^۱

تاریخ پذیرش: ۹۳/۷/۲۹

تاریخ دریافت: ۹۳/۳/۲۰

چکیده

هدف: پژوهش حاضر با هدف بررسی و تعیین روایی و پایایی مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی در بازیکنان لیگ برتر فوتبال انجام شده است.

روش‌شناسی: از میان کلیه بازیکنان شاغل در لیگ برتر فوتبال ایران ($N=396$) در فصل ۹۰-۹۱، تعداد ۱۶۲ نفر انتخاب شدند. روش نمونه‌گیری پژوهش حاضر در مرحله انتخاب تیم‌ها، در دسترس و سپس در مرحله انتخاب بازیکنان به صورت تمام شمار بود. از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی برای دسته‌بندی سؤالات پرسشنامه و برای بررسی کفایت مدل نیز از شاخص و نتایج آزمون بارلت استفاده شد. برای آزمون فرضیات پژوهش از آزمون‌های کولموگروف-اسمیرنوف برای تعیین نرمال بودن داده‌ها، t یک نمونه‌ای، تحلیل عاملی اکتشافی، و برای برازش مدل از تحلیل عاملی تأییدی (به صورت دو مرحله‌ای) استفاده شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آموس نسخه ۱۸ و همچنین SPSS نسخه ۱۶ در سطح معنی‌داری $P \leq 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌ها: یافته‌ها نشان داد که مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی از روایی سازه، ساختار عاملی و ثبات درونی مطلوبی برخوردار است. همچنین، میانگین نمره کلی منش پهلوانی بازیکنان لیگ برتر $73/59 \pm 12/72$ بود و میانگین نمره خرده مقیاس‌های منش پهلوانی در سطح متوسطی ارزیابی شد. در میان بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران، تیم پیکان کمترین و تیم پاس همدان بیشترین میزان نمره منش اخلاقی را داشتند.

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌های تحقیق و تأیید مطلوبیت مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی و همچنین بومی بودن آن پیشنهاد می‌شود در سنجش‌های آتی از این مقیاس نیز جهت بررسی منش پهلوانی ورزشکاران استفاده شود.

واژه‌های کلیدی: روایی، پایایی، منش پهلوانی.

۱. دانشیار دانشگاه پیام نور

نشانی الکترونیک نویسنده مسئول: ghareh.sport@yahoo.com

مقدمه

خسونت و استفاده از داروهای غیرمجاز می‌شود (لمیرو همکاران، ۲۰۰۴). در همین راستا بیان شده است که شرکت در فعالیت‌های ورزشی موجب ارتقاء «منش ورزشی» می‌شود. منش ورزشی، تحت عنوان احترام به روابط اجتماعی، احترام به قوانین و مسئولین، تعهد به ورزشی که به آن پرداخته می‌شود، احترام و توجه به حریف و عدم رویکرد منفی در جهت عملکرد ورزشی، تعریف شده است (ترشر و همکاران، ۲۰۰۰). فلسفه‌ای که در منش ورزشی وجود دارد این است که به نظر می‌رسد، پاسخ به این مسئله که چرا ورزشکاران در فعالیت‌های ورزشی شرکت می‌کنند (انگیزه آن‌ها) می‌تواند بر روی این مسئله که چگونه در میدان‌ها ورزشی رفتار می‌کنند (منش ورزشی آن‌ها) بسیار تأثیرگذار باشد (داناہیو و همکاران، ۲۰۰۶). بسیاری از نظریه‌های منوط به رفتار اخلاقی بیان کرده‌اند که رفتار اخلاق گرایانه و ساختارهای مشابه، از عوامل بسیار فردی و زمینه‌ای موجود در ورزش متأثر می‌شوند (سای و همکاران، ۲۰۰۷).

تاکنون پژوهش‌های زیادی در جهت بررسی رفتار و اخلاق ورزشکاران در محیط‌های ورزش حرفه‌ای و قهرمانی تحت عناوینی چون روحیه ورزشی، بازی جوانمردانه، هوش معنوی، منش ورزشکاری به‌ویژه در غرب انجام شده است. با این وجود، اکثر این مفاهیم و پژوهش‌ها، فاقد ویژگی‌های عمقی مفهوم «پهلوانی» هستند که بر پایه فرهنگ و تمدن ایران باستان شکل گرفته و به‌رغم برخورداری از برخی اشتراکات، مفهومی عمیق‌تر از آن‌ها محسوب می‌شود. به هر حال کمتر مفهومی به مانند «پهلوانی» می‌تواند دو

پرورش شخصیت اخلاق گرا از دوران باستان وجود داشته است. در آن دوره کسانی مانند سقراط و افلاطون بر این عقیده اصرار داشتند. در اصل این باور که ورزش، شکل مهم از آموزش اخلاقی است تنها به چند فیلسوف محدود نمی‌شود، بلکه به‌طور گسترده‌ای در فرهنگ‌های مختلف وجود داشته و دارد (سایمون، ۲۰۰۱). طی سال‌ها، بسیاری بر این باور بودند که ورزش‌های رقابتی ارتقاء ورزشکاران را از نظر شخصیتی فراهم می‌کند. در طی قرن نوزدهم میلادی در مدارس و آموزشگاه‌های بریتانیا این اعتقاد وجود داشت که عضلات و اخلاقیات با پرداختن به ورزش‌های تیمی به‌طور همزمان توسعه می‌یابند. به همین دلیل در مدارس و آموزشگاه‌ها دانش آموزان را ترغیب و حتی وادار به شرکت در ورزش‌های رقابتی می‌نمودند. این عقیده به‌سرعت در جوامع مختلف رواج پیدا کرد و به‌عنوان یک فرهنگ درآمد و مفهوم «ورزش باعث ساختن شخصیت می‌شود.» تبدیل به یک شعار فرهنگی گشت و سبب شد تا برنامه‌های ورزشی قسمتی از فعالیت‌های اکثر مؤسسات آموزشی را در برگیرد (بردمایر، ۲۰۰۶).

غالباً این باور وجود دارد که ورزش موجب بهینه شدن شخصیت و اخلاق افراد می‌شود. یا ورزش باعث پیشبرد همکاری، شہامت، کار گروهی، انصاف، مسئولیت و قدرت کنار آمدن با شرایط بحرانی اخلاقی می‌شود (کاواسانو و همکاران، ۲۰۰۱). در عین حال نشان داده شده است که ورزش افراد را در موقعیت‌هایی قرار می‌دهد که سبب تشویق آن‌ها در جهت نشان دادن رفتارهای غیراخلاقی همانند تقلب و

سای و همکاران، ۲۰۰۷). به هر صورت تحقیقات انجام گرفته در زمینه گرایش به منش ورزشی نتایج یکسانی را نشان نداده است. تحقیقات بردمایر و شیلدز (۱۹۸۶) نشان داد که در ورزش‌های تیمی همانند بسکتبال نسبت به ورزش‌های انفرادی همچون شنا، به دلیل نوع تعاملات در این ورزش‌ها، شاخص‌های پایین‌تری از منش ورزشی مشاهده گردید. بردمایر (۱۹۹۵) نیز تحقیقی را روی کودکان ۹ تا ۱۲ ساله انجام داد و مشاهده کرد که گرایش‌های اخلاق‌گرایانه بین دختران و پسران تفاوت معنی‌داری را نشان نمی‌دهد. دان و دان (۱۹۹۹) در تحقیقی با عنوان «هدف‌گرایی، ادراک خشونت و منش ورزشی در بازیکنان نخبه جوان هاکي روی یخ» به این نتیجه دست یافتند که در بازیکنان نخبه جوان هاکي روی یخ، بازیکنان با گرایش وظیفه‌گرایی در مقابل بازیکنان با گرایش خود‌گرایی در سه بعد از ابعاد منش ورزشی - مفهوم تعهد به ورزشی که به آن پرداخته می‌شود، مفهوم احترام به قوانین و مسئولین، مفهوم احترام به روابط اجتماعی - امتیازات بیشتری به دست آوردند. استورنز (۲۰۰۱) همچنین در تحقیقی تحت عنوان «منش ورزشی در ورزشکاران زنده: تأثیرات عوامل اجتماعی و شخصی در گرایش به منش ورزشی در میان ورزشکاران مرد نخبه رشته هندبال» مشاهده کرد که رفتار مشاهده شده در زمین از سوی ورزشکاران به‌ویژه در زمینه احترام به مسئولین، قوانین و حریف، سطح پایینی از منش ورزشی را نشان می‌دهد. همچنین رفتار افراد دارای هدف‌های خودگرا، در مقایسه با افراد دارای اهداف جمع‌گرا، سطوح پایین‌تری از منش ورزشی را نشان می‌دهد. تحقیقات آن‌ها نشان داد که مربیان از عوامل

مقوله اخلاق و ورزش را به یکدیگر پیوند زده و مفهومی زمینی و امروزی از منش رفتاری یک انسان با قدرت جسمانی بالا ارائه دهد (خیری، ۱۳۸۱).

واژه پهلوان از دو بخش «پهلوا» و نسبت «ان آ» ترکیب یافته و هم‌خانواده با واژه فارسی میانه پهلویگ^۱ و فارسی میانه مانوی است. پهلوی را منسوب به پهلُو، سرزمین پارت دانسته‌اند که مردان آن به توانایی و دلیری شهرت داشتند (کریستن‌سن، ۱۳۶۷). «پارت» اصطلاحی رومی - یونانی برای سرزمینی است که در زبان پارسی باستان «پرتوه» نامیده می‌شده است. واژه پرتوه که داریوش اول در کتیبه بیستون آورده است، بعدها به پهلُو تبدیل شد. جنگ‌ها و رشادت‌های پهلُوها (مردم پرتوه)، پهلوانان سنتی را پدید آورد که «سنت پهلوانی» در ایران به نام آن‌ها شکل گرفت. این سنت آمیزه‌ای از سلحشوری و جوانمردی است که بر زندگی عامه مردم و حماسه‌های ملی ایران تأثیری عمیق و شگرف گذاشته است. سنت پهلوانی در فرهنگ ایران زمین یک دوره تحول و تطور از کهن‌ترین زمان، یعنی دوره اساطیری تا دوره حماسی و تاریخی را پیموده است (زرین‌کوب، ۱۳۶۳). منش پهلوانی دربرگیرنده ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و جسمانی به‌صورت توأم در کنار ارزش‌های دینی و مذهبی (معنوی) بوده و مجموعه کامل و منحصر به فردی در این راستا محسوب می‌شود.

در سال‌های اخیر تعداد زیادی از محققین بر لزوم تحقیقات وسیع‌تر در زمینه منش ورزشی صحنه گذاشته‌اند (مورگان و همکاران، ۲۰۰۱؛

1. Pahlaw
2. Ān
3. Phlw'nyg

اصلی اثرگذار به‌ویژه بر روی ورزشکاران جوان‌تر در زمینه گرایش ایشان به منش ورزشی می‌باشند. همچنین شرایط و زمینه اجتماعی نیز می‌تواند گرایش افراد به منش ورزشی را بسیار تحت تأثیر قرار دهد. پروئیو و آتانائیلیدی (۲۰۰۶) در تحقیقی با عنوان «سِمَت ورزشی، نوع ورزش، سابقه ورزشی و رشد اخلاقی» هیچ تفاوت معنی‌داری بین آزمودنی‌ها با توجه به سِمَت ورزشی (مربی، داور یا بازیکن)، نوع ورزش (بسکتبال، هندبال و فوتبال)، سابقه ورزشی (۱ تا ۶ سال، ۷ تا ۱۴ سال، ۱۵ تا ۳۰ سال)، در زمینه رشد منطق اخلاقی مشاهده نکردند. مامفورد و همکاران (۲۰۰۷) ارزش‌های مذهبی و اجتماعی را در چارچوب ارزش‌های فردی قرار داده و دریافته‌اند که این ارزش‌ها می‌توانند در تشخیص موقعیت، بحران و در نهایت ساخت احساس پیش از تصمیم‌گیری اخلاقی مؤثر باشند. کرچمن و بنز (۲۰۱۲) نیز در تحقیق خود نقش ارزش‌های اخلاقی و باورهای مذهبی ورزشکاران مسیحی را در ورزش‌های رقابتی مورد بررسی قرار دادند. آن‌ها دریافته‌اند این دسته از ورزشکاران با تأکید بیشتر بر خواست خداوند بر این باورند که باید بهترین وظیفه خود را برای رضایت خداوند انجام دهند؛ زیرا خداوند شاهد و ناظر بر تمامی لحظات زندگی ورزشی و عادی آنان است. از این‌رو خداوند بهترین انگیزاننده اخلاقی برای آنان محسوب می‌شود.

در داخل کشور نیز تحقیقاتی چند با موضوعاتی مترادف با منش پهلوانی صورت پذیرفته است. از آن جمله، حجازی موعاری (۱۳۷۸) در تحقیقی تحت عنوان مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دختر و پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه گیلان» به این

نتیجه رسید که عامل جنسیت نمی‌تواند موجب اختلاف در زمینه برونگرایی و درون‌گرایی و روان رنجوری - ثبات عاطفی شود. بلکه عامل ورزشکار بودن و یا نبودن و همچنین نوع ورزش (تیمی یا انفرادی)، در این زمینه می‌تواند باعث بروز اختلاف شود. همچنین خیبری (۱۳۸۱) در تحقیق خود تحت عنوان «بررسی تفاوت رعایت موازین اخلاقی بین بانوان ورزشکار و غیر ورزشکار» با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که بر اساس موازین اخلاقی کالبرگ ساخته شده بود، در رعایت اخلاق به‌طور کلی و متغیرهای تنبیه و اطاعت، ابزار گونه نسبی بودن، احترام به قوانین و نظم و احترام به قوانین اجتماعی تفاوت معنی‌داری مشاهده نکرد و تنها در متغیر اخلاق بر اساس اصول جهانی غیر ورزشکاران نسبت به ورزشکاران برتر نشان دادند. اتقیاء و کشر (۱۳۸۱) در تحقیقی تحت عنوان «بررسی میزان رعایت موازین اخلاقی در بین بانوان ورزشکار و غیر ورزشکار» با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته‌ای که بر اساس موازین اخلاقی کالبرگ ساخته شده بود، در ۶ محور اخلاقی رعایت اصول اخلاقی، ترس و اطاعت، ابزارگونه و نسبی بودن، احترام به قراردادهای اجتماعی، توافق متقابل و رعایت قوانین و نظم اجتماعی تفاوت معنی‌داری مشاهده نکردند و تنها در متغیر رعایت اصول انسانی و جهانی غیر ورزشکاران نسبت به ورزشکاران برتر نشان دادند. بنی‌یعقوبی (۱۳۸۳) نیز در تحقیقی تحت عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بازی جوانمردانه در مسابقات فوتبال لیگ برتر آزادگان ۸۳-۱۳۸۲ ایران» نتایج زیر را به دست آورد: بازیکنان ۶/۶۶٪ تیم‌ها نسبت به داوران رفتار نامناسب از خود نشان داده‌اند. ۲- بازیکنان ۸/۵۲٪ تیم‌ها

تحقیقات وسیع تر در زمینه منش ورزشی صحت گذاشته‌اند (مورگان، مایر و اشنايدر، ۲۰۰۱). به هر ترتیب، پژوهش حاضر در نظر دارد نسبت به ساخت و اعتبارسنجی مقیاس اندازه-گیری منش پهلوانی در نمونه ورزشکاران ایرانی اقدام کرده و به این سؤال پاسخ دهد که آیا مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی از روایی و پایایی لازم برخوردار است یا خیر؟ پاسخ به این سؤال می‌تواند پژوهشگران و دست‌اندرکاران امر را در شناخت بهتر منش پهلوانی، توسعه ابزارهای سنجش آن و نیز کشف راهکارهای ترویج بهتر یاری رساند.

روش‌شناسی پژوهش

این تحقیق از نظر دستاورد یا نتیجه تحقیق، از نوع کاربردی و برحسب اهداف تحقیق، از نوع توصیفی و توسعه‌ای می‌باشد. نمونه نهایی پژوهش، ۱۶۲ بازیکن شاغل در لیگ برتر فوتبال ایران از ۱۱ تیم راه‌آهن، نفت تهران، مقاومت شهید سپاسی، فولاد خوزستان، شاهین بوشهر، سپاهان اصفهان، ملوان بندر انزلی، نفت آبادان، پیکان، پاس همدان و آلومینیوم هرمزگان بودند که از میان جامعه آماری کلیه بازیکنان شاغل در لیگ برتر فوتبال ایران در فصل ۹۰-۹۱ انتخاب شدند (N=۳۹۶). روش نمونه‌گیری پژوهش در مرحله انتخاب تیم‌ها، در دسترس و سپس در مرحله انتخاب بازیکنان به صورت تمام شمار بود. پرسشنامه ۱۸ گویه ای منش پهلوانی ابزاری است محقق ساخته که در راستای دستیابی به اهداف پژوهش به‌ویژه در راستای توجه به ارزش‌های ایرانی و اسلامی اخلاق در ورزش طراحی شده است. این پرسشنامه مشتمل بر پنج

نسبت به بازیکنان تیم مقابل رفتار نامناسب از خود نشان داده‌اند. ۳- مریبان تیم‌ها، استقرار در محوطه فنی را رعایت ننموده و دارای نیمکت بی انضباط می‌باشند.

در دنیا تحقیقات نسبتاً خوبی در جهت بررسی رفتار و اخلاق ورزشکاران تحت عناوینی همچون روحیه ورزشی^۱، بازی جوانمردانه^۲، اخلاق ورزشی^۳ و اخلاق در ورزش^۴ انجام شده است. با وجود این، هنوز تحقیقات بسیاری در زمینه بررسی ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری ورزشکاران از دیدگاه‌های مختلف و در سطوح متفاوت لازم است تا بتوان به نتایج دقیق‌تر و نسخه‌ای کارآمدتر در مورد این ویژگی‌ها رسید. در حقیقت با بررسی ورزشکاران از نظر شخصیتی و روحیات، با توجه به جنسیت، سن، نوع ورزش و تعاملات موجود در هر ورزش، در زمینه نقاط قوت و ضعف آموزشی و تأثیرات آن‌ها روی ورزشکاران اطلاعاتی به دست خواهد آمد، بدین ترتیب که به‌عنوان نمونه چه جو تمرینی - جو تمرین تکلیف‌گرا یا رقابت‌گرا - برای آموزش بهتر در یک رده سنی خاص می‌تواند بیشتر مؤثر واقع گردد. با مورد نظر گرفتن این اطلاعات، اصلاحاتی در زمینه نحوه آموزش در ورزش‌های مختلف ایجاد خواهد شد. بررسی منش ورزشی و گرایش‌های ورزشکاران مختلف به آن، یکی از راهبردهای دسترس‌ی به این مقوله می‌باشد (شاتال و همکاران^۵، ۲۰۰۵). در سال‌های اخیر تعداد زیادی از محققین بر لزوم

1. Sportsmanship
2. Fair play
3. Sports Ethics
4. Moral in sports
5. Chantal et al

6. Morgan, Myer & Schneider

از عامل‌ها بار عاملی بزرگ‌تر از $0/3$ نداشتند، به‌عنوان کاندیدای حذف محسوب شدند.

برای دستیابی به یافته‌های این پژوهش نیاز به طبقه‌بندی، خلاصه‌سازی و تجزیه و تحلیل اطلاعات بود که این کار در قالب روش‌های آماری توصیفی و استنباطی انجام پذیرفت. برای متغیرهای کمی و کیفی، داده‌ها به ترتیب با میانگین (انحراف معیار) و فراوانی (درصد) خلاصه شدند. نرمال بودن توزیع داده‌ها به‌عنوان پیش‌فرضی برای انتخاب آزمون‌ها، توسط آزمون کولموگروف-اسمیرنوف و شواهد توصیفی (مقدار شاخص کجی کوچک‌تر از $1/5$ و مقدار شاخص کشیدگی کوچک‌تر از 2) بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. از این‌رو برای بررسی تحلیل متغیرها، از آزمون‌های پارامتری مناسب استفاده شد. برای محاسبه نمره هر یک از ابعاد تعریف‌شده در پرسشنامه، ابتدا پاسخ‌های موجود به دامنه صفر تا صد نرمال‌ایزه شدند و سپس بر اساس میانگین سوالات مرتبط به هر عامل، نمره آن به دست آمد. برای مقایسه میانگین تعریف‌شده فوق با نمره میانی (50) از آزمون t یک نمونه‌ای استفاده شد تا مشخص گردد آیا میانگین نمره حیطة از سطح متوسط بالاتر است یا خیر (زر^۲، ۱۹۹۸). برای ارزیابی ساختارهای عاملی حاصل از تحلیل عاملی اکتشافی، نیاز به برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی بود تا بر اساس این مدل، به سوالات زیر پاسخ داده شود:

- ۱- آیا مدل نظری ارائه شده، بر اساس داده‌ها نیز تأیید می‌شود؟
- ۲- آیا ضرایب تعریف‌شده برای مدل معنی‌دار هستند؟

خرده مقیاس گذشت (۳ گزینه)، راستی (۳ گزینه)، تواضع (۳ گزینه)، معنویت (۵ گزینه) و مردم‌داری (۴ گویه) بوده و از مقیاس ۵ ارزشی لیکرت (۱=کاملاً مخالفم تا ۵=کاملاً موافقم) نیز برای کمی‌سازی آن استفاده‌شده است.

برای دسته‌بندی سوالات پرسشنامه، مبنی بر این‌که آیا ساختارهای منطقی تعریف‌شده برای این پرسشنامه‌ها بر مبنای فرهنگ جامعه آماری پژوهش استخراج می‌شود یا خیر از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. در صورت وجود این ساختارها، می‌توان روایی سازه پرسشنامه را تأیید نمود. در این تحلیل از روش Principal Axis Factoring برای استخراج عامل‌ها (سازه‌ها) و از روش دوران مایل ابلیمین (با دلتای صفر و نرمال‌سازی کیزر) برای دوران مؤلفه‌ها استفاده شد. برای بررسی کفایت مدل، از شاخص و نتایج آزمون بارتلت استفاده شد. در این مورد مقادیر بزرگ‌تر از $0/7$ شاخص فوق، وضعیت مطلوب مدل تحلیل عاملی را برای داده‌ها نشان می‌دهد و در صورتی که سطح معنی‌داری در آزمون بارتلت کمتر از $0/05$ باشد، نشان دهنده تأیید مقادیر می‌باشد. مقادیر کمتر از $0/5$ برای شاخص KMO، تحلیل عاملی نامناسب را برای داده نشان می‌دهد و مقادیر بالاتر از $0/5$ این شاخص نیز بیانگر تأیید قابل قبول بودن مقادیر می‌باشد (تینسلی و برون^۱، ۲۰۰۰)، برای تعیین ماهیت عامل‌های مورد بررسی، نقطه برش $0/3$ انتخاب شد. به عبارت دیگر، گویه‌هایی به یک عامل معین اختصاص داده شدند که بار عاملی اختصاصی گویه مورد نظر برای آن عامل بزرگ‌تر از $0/3$ باشد و گویه‌هایی که در هیچ‌یک

منظور، از شاخص‌های برازش استفاده شده است. شاخص‌های موردنظر با مقادیر قابل قبول برای این که مدل مورد نظر توسط آن‌ها تأیید شود در جدول ۳-۱۱ ارائه شده‌اند (تینسلی و برون، ۲۰۰۰). داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آموست^۴ نسخه ۱۸ و همچنین SPSS نسخه ۱۶ در سطح معنی‌داری $P < 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته‌های پژوهش

یافته‌ها نشان داد میانگین سن آزمودنی‌ها 25 ± 4 ، سابقه حرفه‌ای فوتبال 8 ± 4 ، سابقه حضور در لیگ برتر 3 ± 3 ، سابقه حضور در تیم ملی 2 ± 2 می‌باشد. این در حالی است که تقریباً ۷۵ درصد بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران مجرد بوده و مدرک بیش از ۸۰ درصد آن‌ها کمتر از فوق‌دیپلم است. یافته‌ها همچنین نشان داد که درآمد ماهانه بیش از ۶۶ درصد بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران بیشتر از ۱۰ تا ۳۰ میلیون تومان است. ضمن اینکه ۱۵ درصد آنان نیز دارای درآمد ماهانه بیش از ۵۰ میلیون تومان هستند. پست بازی ۳۴ درصد آزمودنی‌ها دفاع و پست بازی ۳۵ درصد نیز هافبک می‌باشد. این در حالی است که محل بازی ۲۰ درصد آزمودنی‌ها خط حمله بود.

در مورد متغیر منش پهلوانی، یافته‌ها نشان داد میانگین نمره کلی منش پهلوانی بازیکنان لیگ برتر $72/72 \pm 12/59$ می‌باشد. میانگین نمره خرده مقیاس‌های منش پهلوانی در سطح متوسطی ارزیابی می‌شود. در ارتباط با نمره منش پهلوانی بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران به

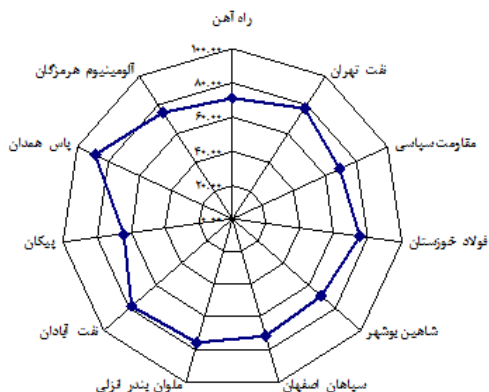
در صورت پاسخ مثبت به دو سؤال فوق، روایی سازه‌ای عامل‌ها تأیید می‌شود. از این رو، تحلیل عاملی تأییدی به صورت دو مرحله‌ای انجام گرفت. بدین معنا که از دو دسته مدل تأییدی یعنی مدل تأییدی مرتبه اول (برای بررسی رابطه بین گویه‌ها و خرده مقیاس‌ها) و تأییدی مرتبه دوم (برای بررسی رابطه بین خرده مقیاس‌ها و عامل) استفاده شد. پس از تأیید نهایی مدل‌های اکتشافی و تأییدی، به منظور برازش الگوی مفهومی، از تحلیل مسیر^۱ استفاده شد. در این مدل نمرات نهایی حاصل در هر یک از سازه‌ها به عنوان متغیرهای مدل وارد شدند و برای متغیرهای ویژگی‌های فردی نیز هر یک از متغیرها به صورت انفرادی در مدل وارد شدند. متغیرهای کیفی ابتدا تبدیل به نشانگر شده و سپس در مدل وارد شدند. برای برازش مدل از روش درست‌نمایی ماکسیمم استفاده و ماتریس وارینانس کوارینانس داده‌ها به عنوان اطلاعات ورودی وارد مدل شد. در این روش نیاز به برقراری پیش‌فرض نرمال بودن توزیع داده‌هاست که در مورد داده‌های رتبه‌ای بررسی این پیش فرض مفهومی ندارد، اما تجربیات تپر و هوپل^۲ (۱۹۹۶) و همچنین مطالعات شبیه‌سازی بولن و بارب^۳ (۱۹۸۱) نشان می‌دهند که برآوردگرهای استاندارد (نظیر درست‌نمایی ماکسیمم) با متغیرهای نشانگری که ۵ یا تعداد بیشتری رده دارند، به خوبی عمل می‌کنند. پس از برازش مدل، ابتدا نیاز بود بررسی شود آیا مدل مورد بررسی، کفایت لازم برای بررسی روابط یعنی معنی‌داری ضرایب را دارد یا خیر. برای این

1. Path analysis
2. Tepper & Hoyle
3. Bollen & Barb

4. Amos

معنی‌داری وجود داشته ($P=0/001$ ، $F=4/183$)، و بر اساس یافته‌های آزمون تعقیبی، بیشترین تفاوت‌ها مربوط به تیم پاس همدان با سایر تیم‌ها می‌باشد.

تفکیک تیم نیز تیم پیکان کمترین و تیم پاس همدان بیشترین میزان نمره منش اخلاقی را نشان می‌دهند. یافته‌ها نشان داد بین نمره منش پهلوانی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم تفاوت



شکل ۱. نمودار راداری وضعیت منش پهلوانی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم‌ها

این منظور از دو دسته مدل اکتشافی یعنی مدل اکتشافی مرتبه اول (برای بررسی رابطه بین گویه‌ها و خرده مقیاس‌ها) و اکتشافی مرتبه دوم (برای بررسی رابطه بین خرده مقیاس‌ها و عامل) استفاده شد.

بر اساس یافته‌های حاصل، برای هر یک از مقیاس‌های مورد بررسی، کفایت مدل برای هر یک از آن‌ها تایید شد، به عبارت دیگر، برای خرده مقیاس‌های منش پهلوانی (شاخص KMO بزرگتر از $0/6$ و $P<0/001$)، درصد واریانس بیان شده $54/68$ درصد بدست آمد. به طور کلی، کفایت مدل برای دسته‌بندی گویه‌ها تایید گردید.

همچنین یافته‌ها نشان داد بین خرده‌مقیاس‌های گذشت ($F=3/828$ ، $P=0/001$)، راستی ($F=4/233$ ، $P=0/001$)، تواضع ($F=2/226$ ، $P=0/19$) و معنویت ($F=3/746$ ، $P=0/19$) تفاوت معنی‌دار وجود دارد. این در حالی است که بین میانگین نمره خرده‌مقیاس مردم‌داری بازیکنان به تفکیک تیم‌هایشان تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد ($F=1/274$ ، $P=0/250$).

برای دسته‌بندی سوالات پرسشنامه، مبنی بر این که آیا ساختارهای منطقی تعریف شده برای این پرسشنامه از مجموعه سؤالات در فرهنگ مربوط به جامعه آماری پژوهش استخراج می‌شود یا خیر و این که آیا دسته‌بندی‌های تعریف شده کفایت لازم را دارند یا خیر از تحلیل‌های عاملی اکتشافی استفاده شد. برای

جدول ۱. نتایج بارهای عاملی اختصاصی برای خرده مقیاس‌های منش پهلوانی

ابعاد	KMO	ضریب بارتلت	TVE	گذشت	راستی	تواضع	دینداری	مردم داری
گذشت	۰/۶۳	$0.001 <$	۶۱/۸۶	۰/۸۴				
گذشت				۰/۸۲				
گذشت				۰/۶۹				
راستی	۰/۶۲	$0.001 <$	۵۶/۸۵		۰/۸۰			
راستی					۰/۷۸			
راستی					۰/۶۸			
تواضع	۰/۶۴	$0.001 <$	۶۲/۳۳			۰/۸۵		
تواضع						۰/۷۸		
تواضع						۰/۷۴		
دینداری	۰/۷۶	$0.001 <$	۴۸/۰۳				۰/۸۱	
دینداری							۰/۷۹	
دینداری							۰/۷۶	
دینداری							۰/۷۳	
دینداری							۰/۱۵	
مردم داری	۰/۶۳	$0.001 <$	۴۴/۳۵					۰/۸۰
مردم داری								۰/۷۳
مردم داری								۰/۶۷
مردم داری								۰/۳۹
مجموع	۰/۶۶	$0.001 <$	۵۴/۶۸					

طور کلی، کفایت مدل برای دسته‌بندی خرده سازه‌ها تأیید گردید.

-ارزیابی کفایت مدل برای تحلیل اکتشافی مرتبه دوم: برای سازه منش پهلوانی (شاخص KMO بزرگتر از ۰/۶ و $P < 0.001$)، درصد واریانس بیان شده ۵۲/۰۶ درصد بدست آمد. به

جدول ۲. نتایج آزمون KMO و بارتلت برای سازه منش پهلوانی

ضریب KMO	
۰/۷۷	مجذور خی
۱۹۵/۷۸۱	Df
۱۰	سطح معنی‌داری
۰/۰۰۱	درصد واریانس تبیین شده
۵۲/۰۶	

جدول ۳. نتایج بارهای عاملی اختصاصی برای سازه منش پهلوانی

گذشت	راستی	دینداری	تواضع	مردم‌داری
۰/۷۷۵	۰/۷۵۱	۰/۷۲۱	۰/۶۸۵	۰/۶۶۹

رابطه بین خرده‌مقیاس‌ها و عامل‌ها) استفاده شد.

مدل تأییدی مرتبه اول: شاخص‌های برازش برای بررسی مناسب بودن مدل تحلیل عاملی تأییدی برای هر یک از خرده مقیاس‌های تصمیم‌گیری اخلاقی، ایدئولوژی اخلاقی، منش پهلوانی و ادراک محیطی در جدول (۴) ارائه شده است.

تحلیل عاملی تأییدی: برای تایید ساختارهای تعریف شده در پرسشنامه‌ها مبنی بر این که آیا دسته‌بندی‌های تعریف شده کفایت لازم را دارند یا خیر از این تکنیک‌ها استفاده شد. برای این منظور از دو دسته مدل تأییدی یعنی مدل تأییدی مرتبه اول (تأیید رابطه بین گویه‌ها و خرده‌مقیاس‌ها) و تأییدی مرتبه دوم (برای تأیید

جدول ۴. آماره‌های مربوط به شاخص‌های برازش مدل تحلیل عاملی تأییدی خرده مقیاس‌های سازه‌ها

مدل	χ^2	χ^2/df	P	GFI	AGFI	RMSEA	NFI	RFI	IFI	NNFI	CFI
گذشت	۲۳/۸۶	۳/۷۷	۰/۰۰	۰/۹۱	۰/۸۹	۰/۰۸	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۸۶	۰/۸۶	۰/۸۵
راستی	۱۳/۷۷	۳/۸۶	۰/۰۰	۰/۹۵	۰/۸۷	۰/۰۸	۰/۸۶	۰/۸۸	۰/۸۷	۰/۸۹	۰/۸۷
تواضع	۳۵/۰۶	۴/۳۶	۰/۰۰	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۱۰	۰/۹۰	۰/۸۷	۰/۹۳	۰/۸۹	۰/۹۱
دین‌داری	۲۶/۴۸	۴/۳۰	۰/۰۰	۰/۹۲	۰/۸۷	۰/۰۹	۰/۸۷	۰/۷۵	۰/۹۱	۰/۸۱	۰/۹۱
مردم‌داری	۸/۲۷۴	۲/۷۶	۰/۰۴۱	۰/۹۸	۰/۹۲	۰/۱۰	۰/۸۷	۰/۸۵	۰/۹۲	۰/۹۲	۰/۹۱

بر اساس آن‌ها می‌توان ساختار هر یک از خرده مقیاس‌ها را تأیید کرد.

- **گذشت:** ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس گذشت در شکل (۲) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۵) مشاهده می‌شود؛ همه ضرایب تحلیل عاملی تأییدی برای این خرده مقیاس معنی‌دار بودند.

با توجه به مقادیر شاخص‌های ارائه شده برای هر یک از این زیرسازه‌ها، همان‌طور که مشاهده می‌گردد، شاخص کای‌دو کوچکتر از ۵ بود که برازش مدل‌ها را تأیید کرد. همچنین شاخص‌های برازش RFI ، $NNFI$ ، NFI ، $AGFI$ ، GFI ، CFI و IFI بزرگتر از ۰/۹، $RMSEA$ نیز کوچکتر از ۰/۰۸ به دست آمد که اعتبار این مدل را تأیید نمودند. در نتیجه این مدل نسبتاً به سطح مطلوبی از برازش دست یافته است و

جدول ۵. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی خرده‌مقیاس گذشت

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate		
<۰/۰۰۱	۵/۵۸۴	۹/۲۰۹	۲۹/۷۴۰	۱۶۶/۰۵۵	گذشت	۱ گویه
		۰/۰۵۳		۱	گذشت	۲ گویه
۰/۰۲۲	۲/۲۹۸	۰/۰۱۹	۰/۲۲۰	۰/۵۰۶	گذشت	۴ گویه

مشاهده می‌شود؛ همه ضرایب تحلیل عاملی تأییدی برای این خرده‌مقیاس معنی‌دار بودند.

- راستی: ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس راستی در شکل (۳) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۶)

جدول ۶. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی خرده‌مقیاس راستی

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate		
۰/۰۱۸	۲/۳۵۸	۰/۰۹۱	۱/۰۰۷	۲/۳۷۴	راستی	۳ گویه
		۰/۰۴۴		۱	راستی	۵ گویه
۰/۰۰۷	۲/۶۹۸	۴/۴۶۵	۳۴/۰۰۸	۹۱/۷۵۹	راستی	۱۲ گویه

مشاهده می‌شود؛ همه ضرایب تحلیل عاملی تأییدی برای این خرده‌مقیاس معنی‌دار بودند.

- تواضع: ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس تواضع در شکل (۴) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۷)

جدول ۷. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی خرده‌مقیاس تواضع

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate		
		۰/۰۳۹		۱	تواضع	۱۱ گویه
<۰/۰۰۱	۴/۴۳۲	۹/۴۷۲	۵۴/۹۶۲	۲۴۳/۵۸۳	تواضع	۱۰ گویه
۰/۰۱۱	۲/۵۴۴	۵/۱۹۹	۴۸/۷۴۳	۱۲۴/۰۰۹	تواضع	۶ گویه

مشاهده می‌شود؛ همه ضرایب تحلیل عاملی تأییدی به جز گویه ۱۶ برای این خرده‌مقیاس معنی‌دار بودند.

- معنویت: ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس معنویت در شکل (۵) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۸)

جدول ۸. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی خرده‌مقیاس معنویت

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate		
		۰/۰۴۵		۱	معنویت	۱۷ گویه
۰/۶۱۹	۰/۴۹۷	۰/۰۴۵	۲/۸۸۸	۱/۴۳۶	معنویت	۱۶ گویه
<۰/۰۰۱	۵/۹۷۰	۰/۴۹۱	۱/۹۲۸	۱۱/۵۰۸	معنویت	۹ گویه
<۰/۰۰۱	۷/۵۹۸	۰/۷	۲/۰۴۳	۱۵/۵۲۲	معنویت	۸ گویه

گوپه ۷	معنویت	۱۶/۷۷۶	۱/۹۶۹	۰/۸۲۴	۸/۵۱۹	<۰/۰۰۱
--------	--------	--------	-------	-------	-------	--------

مشاهده می‌شود؛ همه ضرایب تحلیل عاملی تأییدی برای این خرده مقیاس معنی‌دار بودند.

- **مردم‌داری:** ضرایب استاندارد تحلیل عاملی تأییدی برای خرده‌مقیاس مردم‌داری در شکل (۶) ارائه شده است. همان‌طور که در جدول (۹)

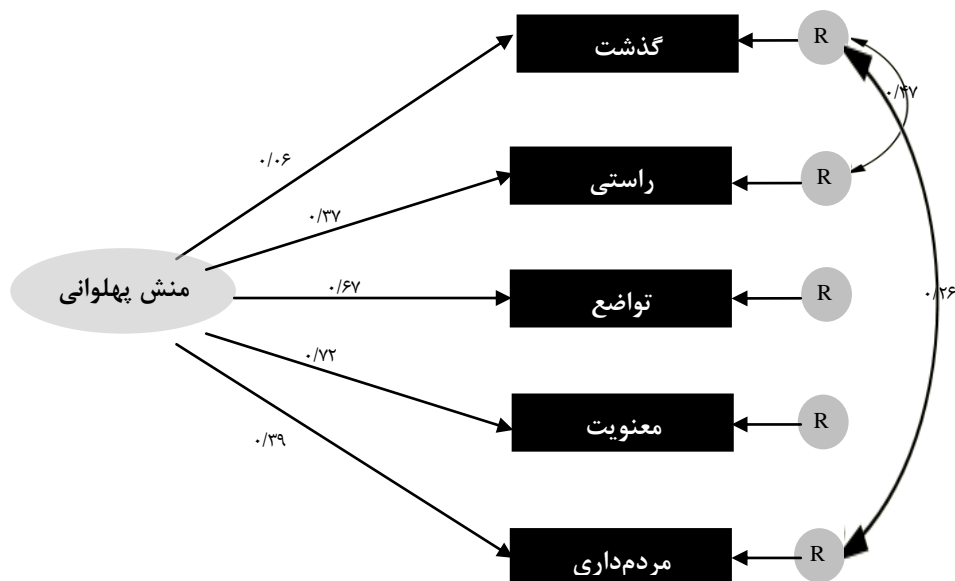
جدول ۱۰. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی خرده‌مقیاس مردم‌داری

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate		
		۰/۰۴۲		۱	مردم‌داری	گوپه ۱۸
<۰/۰۰۱	۵/۱۹۶	۰/۵۲۵	۲/۳۱۱	۱۲/۰۱۰	مردم‌داری	گوپه ۱۵
<۰/۰۰۱	۵/۲۱۳	۰/۵۲۸	۳/۱۹۱	۱۶/۶۳۷	مردم‌داری	گوپه ۱۴
<۰/۰۰۱	۶/۲۰۰	۰/۷۳۳	۳/۱۸۴	۱۹/۷۴۳	مردم‌داری	گوپه ۱۳

مدل تأییدی مرتبه دوم

در نتیجه این مدل نسبتاً به سطح مطلوبی از برازش دست یافته است و بر اساس آن‌ها می‌توان ساختار سازه را تأیید کرد.

با توجه به مقادیر شاخص‌های ارائه شده برای این سازه، همان‌طور که مشاهده می‌گردد، شاخص کای‌دو کوچکتر از ۵ بود که برازش مدل را تأیید کرد. همچنین شاخص‌های برازش GFI، AGFI، NFI، NNFI، RFI، IFI و CFI بزرگتر از ۰/۹، RMSEA نیز کوچکتر از ۰/۰۸ به دست آمد که اعتبار این مدل را تأیید نمودند.



شکل ۲. مسیر ضرایب استاندارد مدل تأییدی سازه منش پهلوانی

جدول ۱۱. آماره‌های مربوط به شاخص‌های برازش تحلیل عاملی تأییدی سازه منش پهلوانی

مدل	χ^2	χ^2/df	P	GFI	AGFI	RMSEA	NFI	RFI	IFI	NNFI	CFI
منش پهلوانی	۳/۴۶	۱/۱۵	۰/۳۲۶	۰/۹۹	۰/۹۶	۰/۰۳	۰/۹۸	۰/۹۴	۰/۹۹	۰/۹۹	۰/۹۹

جدول ۱۲. آماره‌های مربوط به ضرایب تحلیل عاملی تأییدی سازه منش پهلوانی

سطح معنی‌داری	C.R.	Standardized Estimate	S.E.	Estimate	منش پهلوانی	شاخص
		۰/۰۶۰		۱	منش پهلوانی	گذشت
<۰/۰۰۱	۶/۴۳۶	۰/۵۶۰	۱/۵۲۸	۹/۸۳۷	منش پهلوانی	راستی
<۰/۰۰۱	۷/۷۴۶	۰/۶۶۴	۱/۷۶۰	۱۳/۶۳۱	منش پهلوانی	تواضع
<۰/۰۰۱	۸/۳۷۰	۰/۷۲۰	۱/۳۶۴	۱۱/۴۱۶	منش پهلوانی	دین‌داری
<۰/۰۰۱	۵۷/۲۳	۰/۵۰۳	۱/۵۲۸	۸/۷۴۳	منش پهلوانی	مردمداری

بزرگتر از ۰/۷ پایایی مطلوب، بزرگتر از ۰/۶ پایایی متوسط و مقادیر بزرگتر از ۰/۵ این شاخص پایایی ضعیف و مقادیر کمتر از ۰/۵ آن

– تعیین ثبات درونی: ثبات درونی مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی از طریق آلفای کرونباخ تعیین گردید. با توجه به اینکه مقادیر

۱۳ ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش را به تفکیک عامل‌ها و خرده مقیاس‌ها نشان می‌دهد.

پایایی غیر قابل قبول را نشان می‌دهند (تینسلی و برون، ۲۰۰۰)، کلیه مقادیر مشاهده شده نشان از پایایی مطلوب و قابل قبول می‌باشد. جدول

جدول ۱۳. ضرایب آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش به تفکیک عامل‌ها و خرده مقیاس‌ها

متغیر	گذشت	راستی	دینداری	تواضع	مردم‌داری	منش پهلوانی
آلفای کرونباخ	۰/۷۲	۰/۷۲	۰/۸۰	۰/۷۴	۰/۸۰	۰/۹۲

بحث و نتیجه‌گیری

نیازمند پژوهش‌های بیشتر در این زمینه است. بر اساس نظریه داروینسم اجتماعی، دوام و مشارکت افراد در یک محیط، نتیجه حاکمیت ارزش‌هایی است که بیشترین سازگاری را با محیط دارند. از این‌رو، در یک محیط ناهنجار، احتمال دوام کسانی بیشتر است که از تطابق و تحمل ابهام کافی در این محیط برخوردار باشند (بريمن، ۲۰۰۲). این نظریه می‌تواند تا حدی دلیل همسان بودن سطوح منش پهلوانی ورزشکاران حرفه‌ای فوتبال ایران را توجیه نماید. یافته‌ای که در صورت مقایسه با ورزشکاران آماتور و یا افراد غیر ورزشکار، نتایج کاربردی‌تری را در اختیار پژوهشگران قرار خواهد داد. بر پایه یافته‌ها؛ بین نمره منش پهلوانی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم تفاوت معنی‌داری وجود داشته و بر اساس یافته‌های آزمون تعقیبی، بیشترین تفاوت مربوط به تیم پاس همدان با سایر تیم‌ها می‌باشد. اینکه تیم پاس همدان به نسبت سایر تیم‌ها از میانگین نمره منش پهلوانی بیشتری برخوردار هستند. علاوه بر قدمت و اصالت این تیم، ممکن است حاصل شرایط، ارزش‌ها و قوانین حاکم بر آن باشد. این در حالی است که

بر پایه یافته‌ها، میانگین نمره کلی منش پهلوانی بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران در سطح متوسطی ارزیابی می‌شود و نشان‌دهنده مطلق نبودن ارزش‌های پهلوانی در نزد آزمودنی‌ها دارد. این امر ممکن است نتیجه ایجاد و افزایش نسبی‌گرایی ارزشی و یا ترویج شک‌گرایی در آنان باشد. شکی که در ایجاد تمایز میان ارزش‌های اجتماعی، اخلاقی و معنوی زندگی روزمره با ارزش‌های یک بازی گروهی به نام فوتبال، ناموفق است. به عبارت دیگر، تلاش فرد برای راست‌گو بودن در هر موقعیتی ممکن است به دلیل وجود برخی پیش‌فرض‌های ذهنی شامل موقعیت‌های ورزشی نشود. با این حال وجود تفاوت میان منش پهلوانی آزمودنی‌ها به تفکیک تیم‌ها، نشان از وجود برخی مکانیسم‌های اثرگذار بر منش پهلوانی ورزشکاران حرفه‌ای است و اینکه ممکن است فعالیت حرفه‌ای در فوتبال در کاهش و یا افزایش این منش تأثیرگذار باشد. به هر حال اینکه منش پهلوانی در حد متوسط منجر به دوام در فوتبال حرفه‌ای شده و یا فوتبال حرفه‌ای باعث کاهش میزان منش پهلوانی شده است، سؤال است که پاسخ به آن

میانگین نمره این تیم در خرده مقیاس‌های راستی، تواضع و گذشت که ارزش‌های اخلاقی منش پهلوانی محسوب می‌شوند نسبت به دو خرده مقیاس دیگر بیشتر است. این امر نشان می‌دهد؛ ارزش‌های اخلاقی نسبت به دو ارزش دیگر، دارای نقش بارزتری در تبیین واریانس میانگین منش پهلوانی این تیم هستند. بر پایه یافته‌ها؛ میانگین نمره خرده مقیاس «گذشت» آزمودنی‌ها با میانگین ۷۷/۰۷ در سطح متوسطی قرار داشته و بین میانگین این متغیر به تفکیک تیم‌ها تفاوت معنی‌دار مشاهده شد. بر این اساس، ورزشکارانی که نمره بالایی در این خرده مقیاس کسب می‌کنند، تمایل به پیش‌قدم شدن در کار خیر داشته و سعی می‌کنند در زندگی روزمره‌شان افرادی بخشنده و باگذشت باشند. تیم پاس همدان بیشترین و تیم‌های راه‌آهن، مقاومت شهید سیاسی و شاهین بوشهر به ترتیب کمترین میانگین نمره مربوط به این خرده مقیاس را کسب کردند. به هر ترتیب داشتن «گذشت» برای هر انسان در قدم اول نیازمند غلبه بر هوای نفس و البته از دست دادن منفعتی مشخص است. لازم به ذکر است که مطلق نبودن این ارزش در ذهن بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران، فاصله مفهوم امروزی و البته به‌ظاهر حرفه‌ای «گذشت» در مقایسه با اصل گذشت در نزد پهلوانان راستین را نشان می‌دهد. بر پایه یافته‌ها؛ میانگین نمره خرده مقیاس‌های «راستی» و «تواضع» آزمودنی‌ها در سطح متوسطی قرار داشته و بین میانگین این متغیرها به تفکیک تیم تفاوت معنی‌دار مشاهده شد. به‌طوری که در خرده مقیاس راستی، تیم پاس همدان بیشترین و تیم‌های پیکان و سپاهان اصفهان به ترتیب کمترین نمره را کسب کردند.

یافته‌های حاضر بیانگر ترویج نوعی نسبت‌گرایی در بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران است. بدین معنا که مطلق نبودن راستی و تواضع در نزد ورزشکاران و البته داشتن اعتقاد بر وجود آن‌ها، زمینه‌ساز بینشی است که بر مبنای آن راستی و درستی در هر موقعیتی ضرورت ندارد، بلکه بسته به منافع فرد، تیم و نظر الگوهای مرجع، ممکن است ارائه، پنهان و یا منع شود. یافته‌ای که عمق مسئله بی‌اخلاقی در فوتبال ایران را نشان می‌دهد. بر پایه یافته‌ها، میانگین نمره خرده مقیاس «معنویت» آزمودنی‌ها با میانگین ۷۰/۷۷ در سطح متوسطی قرار داشته و بین میانگین این متغیر به تفکیک تیم تفاوت معنی‌دار مشاهده شد. به‌طوری که تیم پاس همدان بیشترین و تیم‌های پیکان، مقاومت شهید سیاسی، سپاهان اصفهان و آلومینیوم هرمزگان به ترتیب کمترین نمره را در این خرده مقیاس کسب کردند. این متغیر بر ادراک بازیکنان مبنی بر ارتباط با خداوند، ارجاع شکست و پیروزی به خواست خداوند و همچنین تقدیس اتفاقات زندگی ورزشی و عادی دلالت دارد. امری که با توجه به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ایرانی، یافته‌ای مهم و تأثیرگذار محسوب می‌شود. تلاش برای کسب نتیجه به هر قیمت (هریس و همکاران، ۱۹۸۲) و تعمیم نگرش انسان‌گرایانه فوتبال، به مثابه جنگ، آبرو، افتخار و ثروت (اورول، ۱۳۸۵)، آفت‌هایی هستند که زمینه کاهش معنویت‌گرایی در ورزشکاران حرفه‌ای را فراهم نموده است. گرچه بر پایه یافته اخیر، نمی‌توان معنویت را به‌عنوان یک حلقه گم‌شده در نظر گرفت اما به دست آمدن این میانگین در جریان پژوهشی که آزمودنی‌ها سعی می‌کنند چهره‌ای خوب و منطقی از خود ارائه

دهند، یافته‌ای رضایت‌بخش محسوب نمی‌شود. به عبارت ساده‌تر، گویا درصدی منافات میان حرفه‌ای‌گرایی ورزشکاران و معنویت‌گرایی آنان وجود داشته باشد و در وضعیت فعلی فوتبال در ایران، این دو متغیر قابل جمع شدن و یا به عبارت بهتر، همسو شدن با یکدیگر نباشند.

بر پایه یافته‌ها؛ بین میانگین نمره خرده مقیاس مردم‌داری بازیکنان به تفکیک تیم‌های مورد مطالعه تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. از دلایل آن می‌توان به این نکته اشاره کرد که هیچ‌یک از تیم‌ها دارای گرایش ذاتی و یا برنامه‌ای از پیش تعیین‌شده برای ترویج این ارزش اجتماعی در میان بازیکنان خود نبوده و یا اینکه عده‌ای ورزشکار معتقد به این ارزش، به‌طور اتفاقی در یک تیم خاص جمع نشده‌اند. این در حالی است که توجه به نیازهای مردم، کیفیت خدمات و در نهایت رضایتمندی آنان (اکبری یزدی و همکاران، ۱۳۹۱)، از اولویت کمتری در فوتبال ایران برخوردار بوده و بازیکنان نیز از این امر مستثنی نیستند. اینکه ورزشکار راضی شود به خاطر مردم از منافع خود بگذرد، نیازمند رسیدن به درجاتی است که تنها با آموزش و اعتقاد عملی تمامی نهادهای تأثیرگذار اجتماعی نظیر خانواده، مدرسه، دانشگاه و رسانه امکان‌پذیر است. ورزشکاری که از بطن طبقات فرودست جامعه رشد کرده و به یک‌باره پله‌های ترقی مالی و طبقاتی را طی می‌کند، چه می‌شود که بن مایه اجتماعی خویش را فراموش کرده و خود را در مسیر دیگری از نیازهای اجتماعی قرار می‌دهد (عسکری خانقاه و حسن‌زاده، ۱۳۸۱). سؤالی که یافته اخیر تا حدی می‌تواند پاسخگوی این

چالش فراگیر باشد. بر پایه یافته‌ها؛ با افزایش سطح تحصیلی بازیکنان، نمره معنویت آنان به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. با توجه به نتایج پژوهش‌های بسیار (نوربخش و حسن‌پور، ۱۳۸۳)، این امر می‌تواند ناشی از بیشتر بودن عزت‌نفس بازیکنان تحصیل‌کرده در مقایسه با سایر ورزشکاران باشد. این در حالی است که رابطه متقابل عزت‌نفس و جهت‌گیری‌های مذهبی نیز در پژوهش‌های بسیاری مورد تأیید قرار گرفته است (وست، ۱۳۸۳). در همین راستا، یافته‌ها نشان داد که با افزایش میزان درآمد آزمودنی‌ها، نمره راستی آنان به‌طور معنی‌داری افزایش می‌یابد. این یافته مبین این فرضیه است که مشکلات اقتصادی افراد می‌تواند پیش‌زمینه بسیاری از ناهنجاری‌های اخلاقی و رفتاری آنان باشد (امامی، ۱۳۹۱). به هر حال یافته اخیر، پیچیدگی‌های جامعه‌شناختی فوتبال در ایران را به‌وضوح نشان می‌دهد. بر پایه یافته‌ها؛ بین میانگین نمره خرده مقیاس راستی آزمودنی‌ها به تفکیک پست تخصصی بازی تفاوت معنی‌داری وجود داشت و میانگین نمره راستی دروازه‌بانان و هافبک‌ها به‌طور معنی‌داری از میانگین نمره راستی مدافعان و مهاجمان بیشتر بود. یافته اخیر احتمال تأثیر برخی ویژگی‌های شخصیتی و گرایش‌های ارزشی ورزشکار برای انتخاب پست تخصصی بازی را قوت می‌بخشد.

حل مسائل اخلاقی در فوتبال ایران بدون در نظر گرفتن بنیان‌های فکری و ایدئولوژیک، اقدامی است که نه‌تنها مشکلی را حل نکرده بلکه بر پیچیدگی آن اضافه خواهد کرد. این در حالی است که نبود اطلاع از ایدئولوژی اخلاقی مربیان، داوران، تماشاگران، مدیران و حتی خبرنگاران

ورزشی و همچنین تقابل و تضاد میان این ایدئولوژی‌ها، امری است که ضرورت انجام پژوهش‌های بیشتر در آینده یادآور می‌شود. به‌طور کلی، پرسشنامه مقیاس اندازه‌گیری منش پهلوانی از روایی سازه، ساختار عاملی و ثبات درونی مناسبی برخوردار است. آزمون تعیین ارتباط بین گویه‌ها و خرده عامل‌های مقیاس نیز نشان داد؛ بین تمامی گویه‌ها و عامل‌ها رابطه معنی‌دار وجود دارد. نتایج مربوط به آزمون نکویی برازش نیز نشان داد؛ هر ۹ شاخص نکویی برازش در وضعیت مناسبی قرار دارند و این امر مناسب بودن مدل را مورد تأیید قرار می‌دهد. به‌طور کلی مقیاس ساخته شده پژوهش حاضر جهت استفاده در پژوهش‌های مرتبط با ورزشکاران نخبه فوتبال پیشنهاد می‌شود.

منش پهلوانی دربرگیرنده ارزش‌های اخلاقی، اجتماعی و جسمانی به‌صورت توأم در کنار ارزش‌های دینی و مذهبی (معنوی) است و با توجه به دین رسمی کشور و اهمیت باورهای مذهبی در فرهنگ این مرز و بوم، یافته فوق طبیعی و قابل توجیه به حساب می‌آید. بدیهی است میزان درک و توجه به ارزش‌های اجتماعی در قالب سیستمی از رشد شناختی در نظر گرفته‌شده و این رشد مستقیماً در تبیین واریانس تصمیم‌گیری اخلاقی آزمودنی‌ها تأثیرگذار است؛ بنابراین آگاهی نسبی ورزشکاران از ارزش‌های دینی و اجتماعی کمترین انتظار موجود در این راستا بوده و رابطه منش پهلوانی با تصمیم‌گیری اخلاقی را توجیه می‌کند. از طرف دیگر این احتمال هم وجود دارد که خرده مقیاس‌های منش پهلوانی و به‌ویژه معنویت، بر

ایدئال‌گرایی اخلاقی افراد تأثیر مثبت گذاشته و در نهایت احتمال تصمیم اخلاقی‌تر ورزشکاران را افزایش دهد. در این میان «ایمان ورزشی» بر پایه اسناد نتایج رویدادهای ورزشی بر خواست خداوند، موضوعی است که در ورزشکاران مذهبی تر مشاهده می‌شود. این در حالی است که بر پایه پژوهش‌ها، احتمال توجه به ارزش‌های اخلاقی در این دسته از افراد بیشتر است. از این‌رو، توجه به ترویج معنویت و معرفی ارزش‌های پهلوانی که به میزان قابل‌توجهی در فرهنگ کشورمان جاری است، می‌توان بسیار مؤثر باشد. یافته اخیر با نتایج پژوهش‌های رادنیکا (۲۰۰۹)، فرناندو و چوداری (۲۰۱۰) و کرچمن و بنز (۲۰۱۲) همخوان است. اینکه ارزش‌های پهلوانی برای بازیکنان لیگ برتر فوتبال ایران، ارزش‌هایی مطلق به شمار نمی‌روند، با توجه به نمایش سطحی از حرفه‌ای‌گرایی بدون توجه به رشد تمامی شاخصه‌های آن، فقر شناخت و همچنین فقدان اعتقاد راسخ به ترویج معنویت‌گرایی، ساختار سازی، بازیکن سازی، شایسته‌سالاری و البته تخصص‌گرایی، یافته‌ای طبیعی و قابل‌قبول به شمار می‌رود. سیستمی می‌تواند مروج منش پهلوانی باشد که صاحبان آن، خود بر پایه این نگرش تربیت‌شده و رشد کرده باشند. بر این اساس، آموزش ساده، خلاقانه و امروزی ارزش‌های پهلوانی همراه با تأکید و سرمایه‌گذاری مداوم نهادهای تصمیم‌ساز و فرادستی می‌تواند حداقل روند حرفه‌ای‌گرایی کاذب را کند و زمینه‌افزایش شناخت اخلاقی و فرهنگی ورزشکاران را در بلندمدت فراهم سازد.

منابع

- اتقیاء، ن و ز. کشکر. ۱۳۸۱. بررسی میزان رعایت موازین اخلاقی در بین بانوان ورزشکار و غیر ورزشکار. همایش ملی دانشگاه گیلان.
- اکبری یزدی، ح. م. حمیدی. ن.ا. سجادی و م. خبیری. ۱۳۹۱. گسترش عملکرد کیفیت (QFD) در لیگ حرفه‌ای فوتبال ایران با استفاده از فن کیفیت خدمات (SERVQUAL). رساله دکتری مدیریت ورزشی، دانشگاه تهران.
- بنی‌یعقوبی، م.ح. ۱۳۸۳. بررسی عوامل مؤثر بر بازی جوانمردانه در مسابقات فوتبال لیگ برتر آزادگان ۸۳-۱۳۸۲ ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت‌معلم تهران.
- حجازی موغاری، م. ۱۳۷۸. مقایسه ویژگی‌های شخصیتی دانشجویان دختر و پسر ورزشکار و غیر ورزشکار دانشگاه گیلان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.
- خبیری، م. ۱۳۸۱. بررسی تفاوت رعایت موازین اخلاقی بین بانوان ورزشکار و غیر ورزشکار. نشریه حرکت، ۱۳(۱): ۱۹-۵.
- زرین‌کوب، ع.ح. ۱۳۶۳. جست‌وجو در تصوف ایران. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- کریستن سن، آ. ۱۳۶۷. ایران در زمان ساسانیان. ترجمه: غلامرضا رشید یاسمی. انتشارات امیرکبیر، تهران.
- Bollen, K. A. & K.H. Barb. 1981. *Pearson's R and Coarsely Categorized Measures*. American Sociological Review, 46: 232-239.
- Bredemeier, B.L. & D.L. Shields. 1986. *Moral Growth Among Athletes and Non-Athletes: A Comparative Analysis*. Journal of Genetic Psychology, 147(1): 7-18.
- Bredemeier, B.L., & Shields, D.L. 2006. *Sport and character development*. Research Digest, 7(1): 1-8.
- Bredemeier, B.L. 1995. *Divergence in Children's Moral Reasoning about Issues in Daily Life and Sport Specific Contexts*. International Journal of Sport Psychology, 26: 453-463 .
- Donahue, E.G., P. Miquelon., P. Valois., C. Goulet., A. Buist. & R.J. Vallerand. 2006. *A Motivational Model of Performance-Enhancing Substance Use in Elite Athletes*. Journal of Sport & Exercise Psychology, 28: 511-520
- Dunn, J.G.H., & J.C. Dunn, J.C. 1999. *Goal Orientations, Perceptions of Aggression, and Sportpersonship in Elite Male Youth Ice Hockey Players*. The Sport Psychologist, 13: 183-200.
- Fernando, M. & R. Chowdhury. 2010. *The Relationship between Spiritual Well-Being and Ethical Orientations in Decision Making: With Business Executives in Australia*. Journal of Business Ethics, 95(2): 211-225 .
- Harris, J.C., K. Blankenship., M.E. Cowley., K.R. Crouse. & M.D. Smith. 1982. *Ethical Behavior and Victory in Sport: Value Systems at Play*. Journal of Physical Education, Recreation, & Dance, 53(4): 98-99.
- Kavussanu, M. & G.C. Roberts. 2001. *Moral Functioning in Sport: An Achievement Goal Perspective*. Journal of Sport and Exercise Psychology, 23(1): 37-54.

- Kretschmann, R. & C. Benz. 2012. *Moral Values and Beliefs of Christian Athletes*. Journal of Human Sport & Exercise, 7(2): 495-519.
- Morgan, W.J. 2006. *Philosophy and Physical Education*. Handbook of physical education, pp: 97-108.
- Mumford, M.D., S. Connelly., R.P. Brown., S.T. Murphy., J.H. Hill., A. L. Antes., E.P. Waples. & L.D. Devenport. 2007. *Ethics Training for Scientists: Effects on Ethical Decision-Making*. Manuscript submitted for publication.
- Proios, M. & I. Athanailidis. 2006. *Moral Development and form of Participation, Type of Sport and Sport Experience*. Perceptual and motor skills, 99: 636-642.
- Rudnicka, E.A. 2009. *Development and Evaluation of a Model to Assess Engineering Ethical Reasoning and Decision Making*. A Thesis in Doctor of Philosophy, University of Pittsburgh.
- Simon, R.L. 2001. *Sports, Relativism, and Moral Education*. Sport and Education, 15-27.
- Stornes, T. 2001. *Sportspersonship in Elite Sports: On the Effects of Personal and Environmental Factors on the Display of Sportspersonship among Elite Male Handball Players*. European Physical Education Review, 7(3): 283-304 .
- Tinsley, H.E.A., & S.D. Brown. 2000. *Handbook of Applied Multivariate Statistics and Mathematical Modeling*. Academic Press.
- Treasure, D.C., P.J. Carpenter. & K.T.D. Power. 2000. *Relationship between Achievement Goal Orientations and the Perceived Purposes of Playing Rugby Union For Professional and Amateur Players*. Journal of Sport Sciences, 18: 571-577.
- Tsai, E. & L. Fung. 2007. *Sportspersonship in Youth Basketball and Volleyball Players*. Athletic Insight, 5(6): 46-61.
- Vallerand, R. J., P. Deshaies., J.P. Cuerrier., N.M. Brière. & L.G. Pelletier. 1996. *Toward a Multidimensional Definition of Sportsmanship*. Journal of Applied Sport Psychology, 8: 123-135.
- Zar, J. H. 1998. *Biostatistical Analysis*. 5th Edition, New York: Pearson Press.



Management and Sport Development A bioannual journal

No 2, Serial 7, 2015-2016



Measure of reliability and validity of heroic character

Ghare M.A*

Received: 10/06/2014

Accepted: 21/10/2014

Abstract

Objective: This study has been done to determine the validity and reliability of measurement scale heroic character in Iranian soccer league players.

Methodology: The sample of this study was 162 Iranian premier soccer league players that were selected among all players who participated in 2012-2013 season (N= 396). The sampling method in team selecting phase was availability and in player selecting phase all players were selected. To classify the questionnaire, exploratory factor analysis method was applied. In order to test the efficiency of the model, Bartlett test results were also applied. For testing the study's hypotheses, Kolmogorov-Smirnov test to verify the distribution of data, and the one-way t, and confirmatory factor analysis (Two-way processes) were also carried out to appraise results of exploratory factor analysis. The data were evaluated and measured significantly different, $P \leq 0/05$, with the help of Amos software version 18, and SPSS version 16.

Results: The results showed that the total mean scores of morality in soccer league players were 73.59 ± 12.72 and the mean subscale scores are evaluated in average level. However, *Peikan* team got the least scores and *Hamedan Pas* the most. The results also showed that morality scales have structural validity, factor structure and internal consistency.

Conclusion: According to the findings and the fact that morality can be measured; it is suggested especially locally that in future researches, this instrument can be applied to obtain morality results.

Keywords: Narrative, stability, morality in athletes.

1. Associate professor of Payam noor University

*Email: ghareh.sport@yahoo.com

